عدم اشاره کلینی به حدیث «سبعة احرف» در کافی

این روایات بوده اما اینکه چرا مرحوم کلینی در کافی شریف روایات سبعة احرف را نیاورده اند، محتملاتی است؛ سند آنها را درست نمیدانستند، به اشان نرسیده بوده، بعضی از آنها ضعیف کالعدم است. این احتمال که اشان ندیده باشند کالعدم است. این احتمال هست که صد سال فضایی ایجاد شده بود که خود اهلسنت در تطبیق «سبعة احرف» که در بین خودشان متواتر است، کاملاً احساس خلأ میکردند. ابن مجاهد آمد و السبعه را نوشت. ابن مجاهد چه زمانی بود؟ در بحبوحه ای بود که کافی نوشته میشد. ابن مجاهد در سال ۳۲۴ وفات کرده، مرحوم کلینی رضوانالله‌علیه در سال ۳۲۹ وفات کرده‌اند. یعنی با فاصله پنج سال وفات کرده‌اند. هر دو در بغداد بوده‌اند و معاصر هم بوده‌اند. یعنی مرحوم کلینی از نزدیک به کار او ناظر بوده. با آن فطانتی که مرحوم کلینی داشته‌اند چه بسا خیلی ملاحظه داشته‌اند. ولی باز هم این احتمال در ذهن من قوی نیست. بینی و بین الله این احتمال در ذهن من قوی نیست که اسمی از آن ببریم. ولی این احتمال هست؛ یعنی دیده‌اند که اگر ما روایت «سبعة احرف» را در کافی بیاوریم، چون در دسته‌ای میآید یک نحو تأیید زرنگی ابن مجاهد است. الآن در این فضا مقصود او را تأیید میکنیم.

شاگرد: ای کمک به بد فهمی مردم میکنیم.

استاد: خب او میخواست همین کار را بکند. او میخواست خلائی که خودشان داشتند را پر کند و کردند. به مقصود خودش هم رسید. بعداً هم علماء اهلسنت هر چه خودشان را بزنند فایده ندارد. او کار خودش را کرد. خیلی به مقصود خودش رسید. آیا اینطور بوده؟ ولی این احتمال در ذهن من قوی نیست.

شاگرد: احتمال قشنگی است.

استاد: حال ممکن است قشنگ باشد. قوی نیست که بگوییم مرحوم کلینی که در جامع روائی قوای مثل کافی برای اینکه تأیید کار ابن مجاهد نباشد تراث را نیاورند. در ذهن من قوی نیست. علی ای حال محتملاتی هست که بر عهده خودتان.

شاگرد: هدف مرحوم کلینی در نوشتن کافی چه بوده؟

شاگرد۲: در مقدمه میگوید برای رفع اختلاف است.

استاد: بله، اشان مقدمه خیلی خوبی دارند. اشان احادیث حرف واحد را آورده‌اند. سه-چهار حدیثی که هست در کافی شریف آمده. اینها هم روایاتی است که در کتب شیعه بوده و مشایخ شیعه آنها را نقل میکنند. خود مرحوم کلینی در جوانی که در بغداد نبودند. عمده تحدیث مرحوم کلینی و باوری اشان در فن حدیث و بزرگی اشان در وقتی بوده که در ری بودند. در قم و ری و این منطقه بودند. بعد به بغداد تشریف بردند. منظور اینکه اصلاً این احتمال صفر است که بگوییم اشان اینها را نمیدانستند. یا اینکه بگوییم شرائط بیرونی را دخالت میدادند. اینها در ذهن من ضعیف

است. ولی در فضای علمی این احتمالات ضعیف هم مطرح می‌شود. سلیقه ایشان؛ سلیقه در تبویب، عنوان کتاب، گذاشتن این روایت ذیل این باب بود.

شاگرد: ایشان می‌گویند: «الاخبار الصحیحه عن الصادقین علیهاالسلام»؛ لذا شاید آن‌ها را صحیح نمی دانسته که نیاورده.

استاد: روایت خوب است و صحیح است. خودشان در کافی نظیر این را دارند. محمد بن حسن صفار که نزد ایشان ضعیف نیست. صفار دارد روایت می‌کند.

شاگرد: شاید به محتوا اشکال داشتند.

استاد: بله، این ممکن است. به‌خاطر این‌که فاصله شده بود و فضای قرن سوم محو شده بود؛ در فاصله دویست تا سیصد؛ ما مفصل شواهد این‌ها را بررسی کردیم. یکی از آقایان علیه آن از این خزیمه شاهدی را پیدا کرده بودند. اما آن هم معلوم نبود که به‌عنوان شاهد قوی‌ای باشد. آن چه عرض می‌کردم از دویست به بعد تا سیصد بود؛ صد سال کم نیست. فضای این‌که عامدا قرآن را نقل به معنا کنید، مستنکر شده بود. دیگر مسلمانان تاب آن را نداشتند. حمله می‌کردند، تهاجم می‌کردند به کسی که بخواهد قرآن را با نقل به معنا بخواند. لذا زمانی‌که مرحوم کلینی بودند واقعا این فضا بود. بر آن زمان حاکم بود. در چنین فضایی ممکن است. ایشان ندیدند ما احادیث حرف واحد داریم که معروف است. سبعة احرف هم می‌گوید چند تا حرف است. ایشان در جمع بین دو حدیث آن را نیاورده اند. یعنی از حیث محتوا گفته‌اند که من این را از صادقین قبول ندارم. قرینه برخلافش هست و صادر نشده است. این هم یک احتمالی است. ولی شواهدی که از مرحوم کلینی در جاهای دیگر داریم ببین این است که این احتمال قوی نیست. حال باید بیشتر بحث شود تا ببینیم کدام یک از این‌ها بوده.

شاگرد: احادیث حرف واحد بین شیعه شهرت بیشتری نداشت؟

استاد: معلوم نیست. چون مرحوم صدوق که از بزرگان محدثین شیعه هستند در عقائد الامامیه می‌گویند «ان القرآن واحد نزل من عند واحد» اما مثلا در خصال در باب الواحد برای آن بابی را باز نمی‌کنند. و الا اگر این اشتهار را داشت، ایشان که الخصال را می‌نوشتند در باب خصال الواحد –که باب حسابی است- یکی از آن‌ها را هم به این صورت باز می‌کردند: «ان القرآن نزل علی حرف واحد»، «ان القرآن حرف واحد نزل من عند واحد». یعنی اگر این‌قدر شهرت داشت به ذهنشان می‌آمد. و حال این که وقتی خصال را می‌نوشتند در سبعه بابی باز کرده‌اند که «ان القرآن نزل علی سبعة احرف» اما در باب واحد این را باز نکرده‌اند و در سائر کتب‌شان هم این را نیاورده‌اند. اصلا این حرف واحد تنها در کافی آمده و تنها در القرائات سیاری آمده. در کتب مشایخ قمیین حرف واحد بازتاب نداشته. عقائد الامامیه صدوق می فهماند که این روایت بوده. اما آن‌چنان اشتهاری نداشته، حال البته باید بیشتر تحقیق کنیم.

شاگرد: بعید است که سنی ها این حرف را بفهمند.

استاد: حرف واحد را؟

شاگرد: بله.

استاد: چرا؟ حرف واحدی به این معنایی که ما می‌گوییم... .

شاگرد: زمان تولید حدیث حواسشان به این مسأله نبوده، امام فرموده.

استاد: نه، اتفاقا میخواهم برعکس عرض کنم. یعنی دقیقاً چیزی را که کافی شریف فرموده–این مقاله شد- ما در زمان قرن چهارم و پنجم میگوییم حدیث حرف واحد درست است، اینکه شیعه قرائت مفرده ندارد ممکن است. این جور فهمیدیم. ما با شواهد حدیدهای که پیدا کردیم میگوییم اتفاقا برعکس است. یعنی روایات حرف واحد دقیقاً ناظر به مخالفت صریح با حرف اهلسنت است که با رفتار شیعه قابل جمع است. رفتار آنها هم یک نوع مخالفت عملی با کار اهلسنت بود. نه اینکه ممکن باشد. خیلی تفاوت است. یعنی کاری که شیعه انجام میدادند مخالفت بود.

و لذا قرطبی در قرن ششم یا هفتم به همین حرف تصریح میکند. نقل قرن هفتم خیلی خوب است. او میگوید تمام این قرائاتی که میگویند سبعه و عشره است، حرف واحد است. میگوید پس سبعة احرف چیست؟ میگوید همانی است که این عینیه گفته، همانی است که ابن وهب گفته، همانی است که مالک گفته. یعنی اینها فضا را اینچنین برگرداندهاند. یعنی دقیقاً میگوید وقتی در لسان امام «حرف واحد» میآید، به این قراء سبعه نیست. به همانی ناظر است که ابن عیینه میگفت. دیگر بالاتر از این میخواهید؟! تصریح قرطبی به اینکه تمام این سبعة احرف مال آنها است. پس مدنیین، عراقیین، قراء سبعه، قراء عشره، حرف واحد است. از چند نفر هم نقل میکند. میگوید ابن ابی صفره و...؛ سه –چهار نفر را نام میبرد و میگوید نزد بزرگان علماء ما این قرائات سبعة احرف، حرف واحد هستند. این تصریح مهمی از قرطبی و قبلی های او است.

ببینید آن چه که الآن میخواهم عرض کنم، این است: حدیث دیروز؛ «وسّع علی امتی» و حدیثی که در روایت حماد داریم؛ «نزل القرآن علی سبعة احرف ادنی ام للامام...» باید تحلیل دقیق معنایی شود. با آن مقدماتی که من عرض کردم. مطالب دیروز که نیمه کاره ماند را الآن میخواهم عرض کنم.

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 13:22:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 16:47:00 توسط ... .